

محمدرضا بابایی چهره اصولگرا از تیم قالیباف توسط
دولت پزشکیان به عنوان استاندار یزد انتخاب شد

پرداخت سهم وفاق با انتصاب استاندار غیر همسو



مجله پرگار از دهه هشتاد در حال فعالیت است و چندین بار انتشار آن متوقف و مجدد از سر گرفته شده است. تا قبل از سال ۱۳۹۲ خورشیدی و در زمان مدیریت پیشین پرگار، ۳۳ شماره نشریه منتشر شده بود.

بعد از تغییر مدیریت و انتشار فصل جدید پرگار در سال ۹۲ که بعد از چند سال تعطیلی صورت میپذیرفت، پرگار بر اساس یک شماره گذاری جدیدی از رقم یک شروع به کار کرد و تا امروز ۲۰۰ شماره منتشر کرده است. اما شماره پیاپی نشریه رقم ۲۳۳ بود.

به پیشنهاد دوستان اهل نظر از این شماره نشریه، صرفاً رقم شماره پیاپی یعنی شماره انتشار پرگار از زمان صدور مجوز استفاده خواهد شد.

بدین صورت به جای درج دو شماره در روی جلد نشریه با نام های شماره پیاپی و شماره جدید، صرفاً شماره پیاپی نشریه درج و بر این اساس نشریه حاضر، شماره ۲۳۶ پرگار خواهد بود.

امید است دوستان و همراهان که آرشیو پرگار را جمع آوری میکنند به این تغییر کوچک اما مهم، توجه وافر داشته باشند.

در این شماره می خوانید:

استاندار جدید برای یزد غریبه است صفحه ۴

پرداخت سهم وفاق با استاندار غیر همسو صفحه ۶

چالش های توسعه در استان یزد صفحه ۸

جامعه امروز یزد تلاقی سنت صفحه ۱۳



ماهنامه پرگار

شماره شاباکتابخانه ملی:
ISSN 2383-2649

صاحب امتیاز:

نسرین زمان زاده

مدیر مسئول:

زهره شاه شوازی

قائم مقام مدیر مسئول:

مهدی زمان زاده

سرمدیر:

عاطفه ابراهیمی

دبیر تحریریه:

شادی شفیعی

مجری طرح:

هنر و تجربه ویرگول

صفحه آرایی:

آلتیه طراح و ویرگول

تماس:

یزد - خیابان فهادان، جنب هتل
کوروش، پلاک ۷۴

انتشار آکهی:

۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه مندان برای همکاری در هفته نامه پرگار دعوت می شود مطالب خود را به ایمیل نشریه ارسال کنند. پرگار نشریه مستقل و متعلق به بخش خصوصی می باشد.

نسخه اینترنتی

www.Pragarnews.ir

“

استاندار جدید برای یزد غریبه است

مهدی زمان زاده

انتصاب آقای بابایی به‌عنوان استاندار یزد، در حالی صورت گرفته که فضای عمومی استان، به‌ویژه میان نخبگان، مدیران و فعالان اجتماعی، با دیده تردید به این تصمیم می‌نگرد. تردیدی که نه از سر تعصب منطقه‌ای، بلکه مبتنی بر شواهدی روشن از فاصله‌ی جدی وی با مسائل واقعی استان، ناآشنایی با مختصات اجتماعی و فرهنگی مردم یزد و البته فقدان برنامه‌ای روشن برای مواجهه با چالش‌های موجود است.

نخستین و مهم‌ترین مسئله، دوری بلندمدت آقای بابایی از استان یزد است. او سال‌ها خارج از یزد زندگی کرده و مسئولیت‌هایی داشته که هیچ‌سختی با بافت مدیریتی، اجتماعی و حتی اقتصادی این استان ندارد. کسی که سال‌ها از زیست بومی یک منطقه دور بوده، به‌سختی می‌تواند عمق مشکلات آن را درک کند و ارتباط طبیعی با مردمش برقرار سازد. یزد امروز، با انبوهی از چالش‌های زیست‌محیطی، بحران منابع آب، فرسایش سرمایه اجتماعی، و مهاجرت نخبگان روبه‌رو است. چگونه می‌توان انتظار داشت فردی که تجربه زیسته‌ای در این بستر ندارد، بتواند راه‌حلی واقعی برای این معضلات پیدا کند؟ از سوی دیگر، عدم آشنایی بابایی با نیروی انسانی و بدنه‌ی مدیریتی استان، پاشنه آشیل

بزرگی در کارنامه احتمالی او خواهد بود. بخش مهمی از موفقیت یک استاندار در سال‌های اخیر، نه به توانمندی‌های فردی بلکه به هنر تعامل او با مجموعه مدیران و نهادهای مؤثر است. وقتی یک مدیر عالی‌رتبه بدون شناخت دقیق از ظرفیت‌ها، سوابق و نقاط قوت و ضعف مدیران فعلی وارد عرصه می‌شود، ناچار است یا درگیر آزمون و خطا شود یا به انتخاب‌های سطحی و غیرکارآمد روی بیاورد. هر دو حالت، زمان و هزینه‌های سنگینی را به استان تحمیل خواهد کرد.

چالش دیگر، فاصله‌ی محسوس او با بدنه اجتماعی حامی دولت فعلی است. شواهد گویای آن است که آقای بابایی نه تنها با جریان‌های اصلی نزدیک به دولت سیزدهم در استان همخوانی ندارد، بلکه از منظر گفتمانی نیز نتوانسته با بدنه مردمی که موتور محرک دولت در استان هستند، ارتباط برقرار کند. در شرایطی که دولت برای حفظ محبوبیت و انسجام اجتماعی در استان‌ها به چهره‌هایی نیاز دارد که مقبولیت مردمی داشته باشند، انتخاب فردی که فاقد پشتوانه اجتماعی محلی است، می‌تواند برای دولت نیز هزینه‌ساز باشد.

مسئله مهم‌تر آن است که بابایی تاکنون برنامه‌ای برای مدیریت استان ارائه نکرده است. در دیدارهای رسمی، نشست‌های خبری یا حتی در حکم انتصاب وی، نشانی از رویکردها، اهداف و طرح‌های اولویت‌دار او برای استان دیده نمی‌شود. این در حالی‌ست که استان یزد در آستانه تحولات مهم اقتصادی، فرهنگی و صنعتی است و نیازمند مدیری است که نه تنها چشم‌انداز داشته باشد، بلکه بتواند آن را به بدنه‌ی جامعه منتقل کند.

برآیند این عوامل، چشم‌انداز روشنی از دوره‌ی استانداری بابایی ترسیم نمی‌کند. انتصابی که نه بر پایه سرمایه اجتماعی و نه بر اساس شایستگی‌های تخصصی و شناخت محلی شکل گرفته، نمی‌تواند ماندگار باشد. به همین دلیل، بسیاری معتقدند عمر بابایی در صندلی استانداری یزد کوتاه خواهد بود، مگر آنکه در ماه‌های ابتدایی با بازنگری جدی در رویکردها، مشورت با نخبگان واقعی استان و پذیرش واقعیت‌های بومی، تغییری در مسیر مدیریتی خود ایجاد کند.

در غیر این صورت، این انتصاب بیش از آن که به نفع مردم یزد باشد، به مثابه تعلیق یک فرصت مدیریتی ارزشمند خواهد بود؛ فرصتی که استان بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

“

پرداخت سهم وفاق با استاندار غیرهمسو

«محمدرضا بابایی» از آزادگان سرافراز دفاع مقدس به عنوان استاندار یزد در دولت چهاردهم منصوب شد.

«محمدرضا بابایی» استاندار جدید یزد در سال ۱۳۴۵ در محله اکبرآباد یزد به دنیا آمد هرچند او اصالتاً مهریزی بوده و از آزادگان سرافراز دفاع مقدس است.

کارنامه‌ی کاری محمدرضا بابایی، از سال ۱۳۶۹ با سمت کارشناس صنایع در استانداری یزد آغاز شد؛ کارشناس تولید و بهره‌وری سال ۱۳۷۳، رئیس اداره امور مالی استانداری یزد سال ۱۳۷۴، بخشدار اشکذر سال ۱۳۷۵، معاون فرماندار یزد سال ۱۳۷۹، مدیرکل اداری مالی استانداری یزد سال ۱۳۸۰ و فرماندار مهریز سال ۱۳۸۳ از جمله سوابق شغلی وی است.

بابایی در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان معاون پشتیبانی آب منطقه‌ای و عضو هیأت مدیره به وزارت نیرو مأمور شد و از سال ۱۳۸۶ با پست معاون برنامه‌ریزی استاندار به استانداری یزد بازگشت.

وی به مدت ۱۵ سال عضو هسته گزینش استانداری، ۱۲ سال عضو هیأت رسیدگی به تخلفات استانداری، یک دوره دبیر ستاد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در یزد بوده است.

همچنین دو سال عضو هیأت مدیره شرکت آب منطقه‌ای یزد، سه سال عضو کمیسیون برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانشگاه علمی و کاربردی و دو سال در سمت عضو شورای مرکز رشد بیوتکنولوژی پارک علم و فناوری نیز فعالیت داشته است. به گزارش ایسنا؛ بابایی هم‌اکنون رئیس بنیاد صندوق بوده و در هیأت‌مدیره شرکت صنعتی و معدنی چادرملو نیز عضویت دارد.

بابایی در انتخابات این دوره در ستاد قالیباف در تهران فعالیت داشت. با شکست قالیباف در دور اول او دیگر در ستادی فعالیت نکرد.

انتصاب او پرداخت سهم وفاق در استان یزد به جناح رقیب است چراکه او قطعا سنجیتی با دولت و دیدگاه‌های پزشک‌پسندان و همراهانش ندارد.

مشخص نیست او چه استانداری برای یزد خواهد بود اما هرچه هست او سال‌ها مقیم تهران بوده و از احوالات دهه اخیر یزد بی اطلاع است. رزومه او علاقه مندی به فوتبال دیده می‌شود اما اهلیتی با محیط زیست ندارد.

“

چالش‌های توسعه در استان یزد

استان یزد، به عنوان یکی از مناطق تاریخی، فرهنگی و صنعتی کشور، ظرفیت‌های کم‌نظیری در حوزه‌های گوناگون دارد؛ از معماری منحصر به فرد و بافت تاریخی ثبت شده در یونسکو گرفته تا صنعت پیشرو، معادن غنی، نیروی انسانی خلاق، و شاخص‌های اجتماعی قابل توجه همچون نرخ پایین بزهکاری و سطح بالای مشارکت اجتماعی. با این حال، مسیر توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی این استان با چالش‌های جدی روبروست که در ادامه به تفکیک مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

بحران منابع آبی و اقلیم خشک

مهم‌ترین چالش تاریخی و ساختاری استان یزد، کمبود منابع آب است. این استان در یکی از خشک‌ترین مناطق ایران قرار دارد و متوسط بارندگی سالانه آن کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر است. با توسعه شهرنشینی، افزایش جمعیت، رشد صنایع پرمصرف و محدود بودن منابع آب زیرزمینی، اکنون استان در شرایط تنش آبی شدید قرار گرفته

است.

چاه‌های غیرمجاز و افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی، نابودی قنات‌ها و کاهش کیفیت آب از تبعات این وضعیت است. انتقال آب از استان‌های دیگر نیز با مقاومت‌هایی همراه شده و پایداری بلندمدت ندارد توسعه بدون توجه به ظرفیت آبی، از جمله گسترش شهرک‌های صنعتی یا مجتمع‌های مسکونی بزرگ، می‌تواند آینده استان را با خطر مواجه کند.

صنایع آب‌بر و آلاینده

یزد یکی از استان‌های صنعتی کشور است، اما بخش زیادی از این صنایع، مانند صنایع فولاد، کاشی و سرامیک، و معدنی، جزو صنایع پرمصرف در آب و انرژی هستند. این تضاد میان شرایط اقلیمی و نوع صنایع مستقر، یک چالش راهبردی است. صنایع عمدتاً به دلیل منابع ارزان‌قیمت انرژی و معافیت‌های مالیاتی به یزد آمده‌اند، نه به خاطر سازگاری با اقلیم.

در برخی موارد، صنایع آلاینده، سلامت مردم را تهدید کرده‌اند؛ به‌ویژه در محورهای اطراف یزد، اردکان و اشکذر که دچار آلودگی هوا و خاک شده‌اند.

توسعه نامتوازن در درون استان

اگرچه شهر یزد به عنوان مرکز استان پیشرفت قابل توجهی داشته است، اما توسعه در سطح شهرستان‌های دیگر مانند بافق، خاتم، ابرکوه یا بهاباد، متوازن نبوده است. تمرکز امکانات، سرمایه‌گذاری و خدمات در مرکز استان باعث مهاجرت روستاییان و شهروندان شهرستان‌ها به یزد شده و نابرابری‌های منطقه‌ای را تشدید کرده است. این تمرکزگرایی می‌تواند باعث تخلیه تدریجی جمعیت از مناطق کم‌برخوردار و ایجاد حاشیه‌نشینی در شهر یزد شود.

نبود مشوق‌های کافی برای سرمایه‌گذاری در شهرستان‌ها یکی از علل مهم این عدم توازن است.

فرسودگی بافت تاریخی و تعارض توسعه با میراث فرهنگی یزد یکی از بزرگ‌ترین بافت‌های تاریخی کشور را در خود جای داده است. ثبت جهانی بافت تاریخی یزد، افتخاری ملی بود؛ اما حفظ و احیای این بافت با مشکلات متعددی روبروست:

ساخت‌وسازهای نامتجانس، تخریب تدریجی بناها، و نبود سازوکار مالی پایدار برای مرمت، از جمله مشکلات اساسی است. برخی طرح‌های توسعه شهری (مانند احداث خیابان یا مجتمع‌های تجاری) با بافت تاریخی در تعارض قرار گرفته‌اند. کمبود امکانات زیربنایی در بافت قدیم، زندگی در آن را برای مردم دشوار کرده و منجر به مهاجرت ساکنان قدیمی شده است.

ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری خصوصی بلندمدت

گرچه یزد در زمینه کارآفرینی و بنگاه‌های کوچک و متوسط عملکرد خوبی داشته، اما هنوز در جذب سرمایه‌گذاران بزرگ، به‌ویژه در حوزه فناوری‌های نو و خدمات پیشرفته، با ضعف مواجه است. پیچیدگی مجوزها، نبود پنجره واحد کارآمد، ضعف در ارائه بسته‌های تشویقی و تبلیغات ناکافی از جمله عوامل بازدارنده هستند. برخی سرمایه‌گذاران از نبود ثبات در تصمیمات مدیریتی و نبود راهبردهای بلندمدت ابراز نگرانی کرده‌اند.

محدودیت‌های زیرساختی در حمل‌ونقل و ارتباطات

استان یزد اگرچه در مرکز جغرافیایی ایران قرار دارد، اما در برخی زیرساخت‌های حیاتی توسعه با کمبودهایی مواجه است: خطوط ریلی پرسرعت و حمل‌ونقل ترکیبی (ریلی - جاده‌ای توسعه نیافته و ظرفیت حمل بار محدود است. فرودگاه یزد با محدودیت‌هایی در پروازهای بین‌المللی و داخلی مواجه است.

در حوزه ارتباطات دیجیتال و شهر هوشمند نیز هنوز بخش‌هایی از استان با ضعف زیرساخت اینترنت و خدمات آنلاین روبرو هستند.

ضعف در مشارکت نخبگان و جامعه مدنی در فرآیند توسعه

با وجود ظرفیت علمی، دانشگاهی و نخبگانی قابل توجه در استان، متأسفانه در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های کلان، مشارکت ساختارمند نخبگان و گروه‌های مردمی دیده نمی‌شود.

اتاق فکرهای نهادینه، منظم و مؤثر هنوز به خوبی شکل نگرفته‌اند. شکاف میان مدیران دولتی و بخش خصوصی، نخبگان دانشگاهی و فعالان مدنی، یکی از موانع هم‌افزایی برای توسعه است.

بحران منابع انسانی و مهاجرت جوانان

نسبت به گذشته، مهاجرت نخبگان و جوانان تحصیل کرده از استان افزایش یافته است. بخشی به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی باکیفیت، بخشی به دلیل نبود فضای نوآوری و برخی به دلیل انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی. فرار مغزها می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی و مدیریتی استان در بلندمدت منجر شود.

سیاست‌های جذب، نگهداشت و حمایت از نیروهای متخصص هنوز منسجم و کارآمد نیستند.

فقدان نگاه یکپارچه به توسعه پایدار

برخی تصمیم‌ها و طرح‌های اجرایی در استان، بدون در نظر گرفتن پیوست‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و فرهنگی انجام شده‌اند. توسعه واقعی، زمانی موفق خواهد بود که نگاه سیستمی و بلندمدت به آن حاکم باشد.

پروژه‌های صنعتی بزرگ باید پیوست محیط‌زیستی و منابع آب داشته باشند. توسعه گردشگری باید با حفظ هویت فرهنگی و محیط زیست همراه باشد، نه صرفاً

جذب گردشگر بیشتر.

چه باید کرد؟

استان یزد، علی‌رغم تمامی ظرفیت‌ها، در مسیر توسعه پایدار با موانع و چالش‌هایی روبروست که بدون بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها، اصلاح ساختار مدیریت محلی، تقویت مشارکت مردمی و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های علمی و بخش خصوصی، عبور از آن‌ها دشوار خواهد بود. آینده‌ی توسعه استان در گرو اتخاذ رویکردی متوازن، بومی‌سازی سیاست‌ها و جلب مشارکت همه‌جانبه ذی‌نفعان است. تنها با این نگاه است که می‌توان یزد را به الگویی از توسعه متوازن، فرهنگی، زیست‌محیطی و اقتصادی در سطح ملی تبدیل کرد.

“

جامعه امروز یزد

تلاقی سنت، مهاجرت، نسل نو و نابرابری

استان یزد که سال‌ها به عنوان یکی از منسجم‌ترین و آرام‌ترین جوامع ایران شناخته می‌شد، در دهه اخیر با تحولات اجتماعی شتاب‌گیری روبه‌رو شده که ساختار سنتی آن را تحت تأثیر قرار داده است. این تحولات که عمدتاً ناشی از مهاجرت، تغییر نسل، تحولات اقتصادی و گسترش سبک‌های زندگی جدید هستند، در کنار یکدیگر چالش‌های نوپدیدی را برای انسجام و عدالت اجتماعی در یزد پدید آورده‌اند.

تضاد فرهنگی میان نسل سنتی و نسل زد

یکی از اصلی‌ترین تغییرات اجتماعی یزد، ورود نسل جوان و نوگرایی است که از نظر فرهنگی، فکری و رفتاری با نسل‌های پیشین تفاوت‌های چشمگیری دارد. نسل زد، که اغلب متولدین دهه ۸۰ و ۹۰ هجری شمسی را در بر می‌گیرد، در بستر رسانه‌های اجتماعی، ارتباطات فرامرزی، آموزش دانشگاهی و فناوری رشد کرده‌اند. این نسل غالباً خواستار آزادی‌های فردی بیشتر، تنوع سبک زندگی، شفافیت اجتماعی

و کاهش مداخلات سنتی در زندگی شخصی و شاید بتوان در یک کلام گفت، زندگی معمولی است.

تضاد میان انتظارات این نسل و چارچوب‌های سنتی جامعه یزد، که بر مبنای دین، خانواده و همبستگی اجتماعی بنا شده بود، گاه منجر به درگیری‌های نسلی پنهان یا آشکار می‌شود.

نتیجه این فاصله نسلی، گاه در قالب مهاجرت جوانان از استان، انزوا یا پرخاشگری‌های اجتماعی، یا حتی روی آوردن به سبک‌های زندگی جایگزین بروز می‌یابد.

چالش‌های مهاجرت؛ از مهاجران داخلی تا اتباع خارجی

یزد در سال‌های اخیر به یکی از مقاصد اصلی مهاجرت در کشور تبدیل شده است. این مهاجرت‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

مهاجرت نیروی کار از استان‌های دیگر مانند سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان، مهاجرت مردم افغانستان به عنوان اتباع خارجی عمدتاً برای اشتغال در مشاغل سخت و کم‌درآمد به یزد آمده‌اند.

این تنوع مهاجران، با وجود مزایایی چون رونق بازار کار، با مشکلاتی نیز همراه بوده است: ایجاد تنش‌های فرهنگی و گاه تبعیض‌های پنهان نسبت به مهاجران، به‌ویژه افغان‌ها. شکل‌گیری محله‌های مختلط و فاقد انسجام فرهنگی که در آن نه مهاجران جذب هویت بومی می‌شوند و نه بومیان پذیرای تفاوت‌ها هستند.

نابرابری در دسترسی به خدمات آموزشی، درمانی یا خدمات اجتماعی برای مهاجران فاقد مدارک.

در مواردی، برخی ساکنان بومی یزد احساس می‌کنند هویت و نظم اجتماعی شهر در حال تغییر است و این می‌تواند زمینه‌ساز تقابل‌های اجتماعی آینده باشد.

ظهور طبقه چهارم در صدی و شکاف طبقاتی عمیق

یکی دیگر از پدیده‌های مهم در جامعه امروز یزد، ظهور قشر ثروتمند جدید یا آنچه در ادبیات رسانه‌ای «نسل چهارم در صدی» نامیده می‌شود، است. این طبقه شامل صاحبان

صنایع بزرگ، پیمانکاران عمده، سرمایه‌گذاران ملکی، و برخی مدیران خاص است که در سایه رانت، انحصار یا امتیازهای خاص اقتصادی به ثروت‌های بزرگ دست یافته‌اند. سبک زندگی لوکس این طبقه، تضاد آشکاری با سطح زندگی بخش بزرگی از مردم دارد. این شکاف در شهر قابل مشاهده است: از خانه‌های لوکس ویلایی در صفاییه تا خانه‌های فرسوده در حاشیه شهر.

تحقیق طبقاتی پنهان، احساس تبعیض، و نارضایتی اجتماعی در میان طبقات پایین دست قابل رصد است.

در کنار آن، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و شغلی نیز به شدت محسوس شده و خطر بی‌اعتمادی عمومی به ساختارهای اجتماعی و اداری را افزایش می‌دهد.

افزایش حاشیه‌نشینی و زاحه‌سازی

در دهه اخیر، یزد که روزگاری شهر نظم و تمیزی بود، شاهد افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی، مهاجرپذیر و فاقد خدمات استاندارد بوده است. حاشیه‌نشینی، عمدتاً در حومه جنوب‌شرقی و جنوب غربی شهر شکل گرفته و نشانه‌هایی از آن در اطراف شاهديه، قاسم‌آباد، ناصرآباد و زارچ دیده می‌شود.

کمبود خدمات بهداشتی، آموزشی، امنیتی و حمل‌ونقل در این مناطق، به بازتولید فقر انجامیده است.

فرزندان خانواده‌های ساکن این مناطق، گاه در معرض ترک تحصیل، اعتیاد یا بزهکاری قرار می‌گیرند.

نبود سیاست‌های روشن برای بازآفرینی شهری یا توسعه خدمات اجتماعی، به گسترش این پدیده دامن زده است.

جمع‌بندی: جامعه در آستانه یک انتخاب مهم

یزد امروز، دیگر یزد یک‌دست، سنتی و آرام دهه‌های پیشین نیست. جامعه‌ای چندلایه با شکاف‌های فرهنگی، نسلی، قومی و طبقاتی در حال شکل‌گیری است. عبور موفق از این

مرحله، نیازمند گفتمان اجتماعی تازه، پذیرش تنوع، کاهش تبعیض، و تقویت حس تعلق اجتماعی در میان همه اقشار جامعه است .

در غیر این صورت، یزد در دهه آینده با خطر فروپاشی انسجام اجتماعی، رشد خشونت‌های پنهان، و شکاف‌های عمیق‌تر روبه‌رو خواهد شد. آینده این استان تاریخی، در گرو تدبیر اجتماعی امروز آن است.



سایت خبری برای مردم استان یزد